

بررسی رابطه بین تماشای تلویزیون و شکاف نسلی در شهر هرات

نویسنده گان: پوهنمل علی احمد کاوه
و ظریفه سعادت

چکیده

این تحقیق تحت عنوان بررسی رابطه بین تماشای تلویزیون و شکاف نسلی جوانان در شهر هرات در ۵ سال اخیر انجام گردیده است. روش تحقیق پیمایشی و از نوع کمی بوده؛ ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه هدف در این تحقیق شهر هرات و جامعه آماری شامل تمام جوانانی است که سن شان بین ۱۵ تا ۳۰ سال اند. بر اساس فورمول کوکران، جمعیت نمونه ۳۸۵ تن از جوانانی بوده که پرسشنامه را به صورت تصادفی پر کرده اند. تحلیل یافته‌های تحقیق نشان میدهد که میزان شکاف میان جوانانی که در یک شبانه روز تلویزیون بیشتر تماشا میکنند با والدین شان نسبت به جوانانی که کمتر تلویزیون تماشا میکنند بیشتر است؛ به علاوه، این شکاف نسلی میان دختران و والدین شان نسبت به پسران و والدین شان بیشتر وجود دارد. هر قدر که سن جوانان بالاتر باشند به همان اندازه میزان شکاف کمتر میباشند و هر قدر که سطح تحصیلات جوانان بالاتر برود کمتر رفتار و نگرش شان تحت تأثیر تلویزیون قرار میگیرد. متغیر تحصیلات والدین و درآمد خانواده رابطه‌یی با شکاف نسلی بین اعضای خانواده ندارد. یافته‌های تحقیق نشان میدهد که رابطه بین الگوی تماشای تلویزیون و شکاف نسلی قوی، مستقیم و معنی دار است و رابطه بین الگوی تلویزیون و الگوی والدین متوسط، مستقیم و معنی دار است.

کلید واژه گان: شکاف نسلی، تلویزیون، جوانان، والدین، الگوها.

مقدمه

تفاوت بین حالات و رفتار افراد و گروه‌های سنی متفاوت از دیر باز مهم بوده و عده‌یی را به داوری در مورد منشای آن وا داشته است. برخورد نسلها پدیده تازه‌یی نیست؛ بلکه امر تاریخی است. برخورد تضاد گونه بینا نسلی زمانی شکل میگیرند که هم‌جهتی ارزشی و رفتاری بین نسلها وجود نداشته باشد. شکاف نسلی بین نسل جوان و میان‌سالان (والدین و موی سپیدان) یک امر نو امروزین نیست و در گذشته‌ها و بین جوامع مختلف وجود داشته است و اگر اجازه دهیم اعمال بی‌سابقه نسلهای جوان تر ما ادامه یابد، تمدن ما محکوم به نابودی است این گفتاری است که بر یک لوحه باستانی کشف شده در شهر «اور»، از مراکز مهم تمدن سومری در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد نقش بسته است. این متن بیانگر دیدگاه بسیاری از گروه‌ها و جوامع انسانی در گذشته و امروز نسبت به جوانان و نسل نو است؛ زیرا در هر دوره جوانان نسبت به سایر گروه‌های سنی پابندی و تعهد کمتری به نظم اجتماعی مستقر دارند و مظهر سرکشی و طغیان علیه هنجارهای حاکم به شمار میروند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۲: ۳۱۲). یکی از مظاهر شکاف نسلی، فاصله و تفاوت بین دو نسل (یعنی فرزندان و پدر و مادر) در خانواده است. گرچه این تفاوت و شکاف هم از گذشته وجود داشته؛ ولی در جامعه‌های پیشامدرن به دلیل غلبه حیات جمعی بر فردی، کمتر آشکار میشده و بیشتر در قالب طایفه و ایل تجلی می‌یافته است. امروزه با کاهش اهمیت خانواده در جوامع مدرن، تفاوت‌های نسلی بین خانواده هم بروز کرده و مورد توجه قرار گرفته است.

مفهوم شکاف نسلی (Generation gap): رایج‌ترین مفهوم به کار رفته در باره اختلاف نسلی مفهوم شکاف نسلی است. در فرهنگ آکسفورد، شکاف نسلی به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمند تعریف شده است که موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر میشود. در فرهنگ فارسی شکاف نسلی به معنی «بریده شدن و منفرد گشتن از دوست یا کسی است» (منصور نژاد، ۱۳۸۲: ۱۹۱). یکی از جامع‌ترین تعاریف، شکاف نسلها را چنین بیان نموده است: شکاف نسلی مفهومی است که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی، فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیریهای ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو نسل همزمان در یک جامعه را مورد توجه قرار میدهد (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۸۶).

اصطلاح تفاوت نسلی به معنای اختلاف طبیعی در باورها، ارزشها و هنجارهای میان نسلها

شناخته می‌شود. این مفهوم بیش از هر چیز اشاره به جنبه‌های روان‌شناختی هر نسل دارد که همواره وجود دارد و در شکل عدم انطباق کامل جوانب رفتاری، اخلاقی، روانی و اجتماعی کنشهای نسل جدید در مقابل نسل قبلی مشاهده می‌شود. دورشدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند که اصطلاحاً گسست نسلی نامیده می‌شود (اسپاک، ۱۳۶۴: ۲۵۹). منظور از کلمه «نسل» فاصله‌یی بین تولد پدران و مادران و تولد فرزندان آنهاست. از نظر جامعه‌شناختی، چگونگی زندگی و تجربه زندگی در عصری مشخص، یعنی مجموعه افرادی که در حوزه فرهنگی مشخصی تقریباً همسال هستند و به خاطر زندگی در شرایط اجتماعی و تاریخی یکسان از تصورات، انگیزه‌ها، جهت‌گیریها و ارزشهای مشابهی برخوردارند، یک نسل گفته می‌شود. گرچه همزمان و بنا بر برخی از تعابیر، سه یا حتی چهار نسل متفاوت با هم زیست دارند (کودکان، جوانان، میان‌سالان و کهن‌سالان)؛ ولی بنا بر تعاریف بالا که شکاف نسلی نه یک مقوله زیست‌شناختی و جمعیت‌شناختی، بلکه بیشتر یک مسأله فرهنگی و روانی تلقی می‌کنند، بهتر است فقط دو نسل میانین، یعنی جوانان و میان‌سالان و حتی کهن‌سالان را در نظر گرفت. از جایی که کودکان (زیر ۱۵ سال) هنوز وارد مرحله جدی زندگی نشده‌اند که در تقابل با نسلهای دیگر به کنش متقابل بپردازند، بیشتر تمرکز روی تفاوتها و شکاف نسلی جوانان و میان‌سالان/ کهن‌سالان است. «جوانی به عنوان مرحله‌یی از زندگی، عمدتاً دوره بینابینی فرض می‌شود که میان کودکی و بزرگسالی قرار می‌گیرد و معمولاً فاصله سنی ۱۵ تا ۲۵ سال را برای آن در نظر می‌گیرند» (ذکائی، ۱۳۸۷: ۲۴).

مسأله شکاف نسلی در جامعه امروز و دنیای مدرن بیش از هر زمان دیگر جدی‌تر و مسأله‌سازتر شده است. دلیل اصلی آن را شاید بتوان در رشد تکنولوژی و به تبع آن تغییرات و دگرگونیهای سریع فرهنگی-اجتماعی دید که در قرن بیستم و یکم به‌ویژه رونما گردیده است. تغییرات فرهنگی-اجتماعی؛ چون کاهش اهمیت خانواده، رشد فردگرایی و حقوق‌محوری در جامعه‌های مدرن، جهانی شدن و گسترش فرهنگ جهانی و غربی، گسترش رسانه‌ها و اینترنت و متأثر ساختن افراد و فرهنگهای بومی در سراسر کره خاکی اصلی‌ترین زمینه‌هایی‌اند که باعث ایجاد فاصله بین نسل گذشته و بزرگسال می‌شود که اغلب محافظه‌کارانه با این قضایا رو به رو می‌گردند و نسل جدید و جوان که اغلب از این تحولات استقبال می‌کنند و میکوشند با آن همگام شوند و از آن بهره‌برند.

چگونگی مواجهه این دو نسل با فرهنگ جدید و با یکدیگر است که تفاوت و شکاف نسلی را مشخص میکند. «نسل دیروز (والدین) احساس دانایی و با تجربگی میکند و نسل امروز (فرزندان) که خواهان تطابق با پیشرفتهای روز است، در برابر آنها واکنش نشان میدهد و چون از پس منطق و نصیحتهای ریشه‌دار و سرشار از تجربه آنها بر نمی‌آید به لجبازی روی می‌آورد» (دانائی، ۱۳۸۴: ۸).

در افغانستان نیز طی یک و نیم دهه اخیر تحولات خیلی سریع اتفاق افتاد و یک باره دروازه‌ها و مرزهای کشور بر روی جهان مدرن و محصولات و ساخته‌های آن باز شد و جامعه‌ی به شدت عقب افتاده از کاروان جهانی به جهان اطراف چشم گشود و رابطه برقرار کرد. باز شدن مرزهای کشور به روی جهانیان و مرزهای جهان به روی افغانها و ایجاد ارتباط دو طرفه از یک جهت، وارد شدن انترنت و وصل شدن افغانها به آخرین یافته‌ها، ساخته‌ها و دستاوردهای جهانی از جهت دیگر، گسترش روزافزون رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری از طرف دیگر، جامعه ما را دچار تحولات سریع کرد که نمود آن را میتوان در شکاف روزافزون نسلی هم دید. در این میان، رسانه‌ها به دلیل ماهیت همه گیر خود و تأثیر زیادی که بر زندگی مردم در افغانستان دارند، اهمیت ویژه‌ی در ایجاد و گسترش شکاف نسلی دارد. تلویزیون به عنوان اصلی‌ترین وسیله تفریحی خانواده‌های افغان به حساب می‌آید و والدین و فرزندان ساعتهای متمادی در کنار یکدیگر به تماشای برنامه‌های تلویزیون مینشینند، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. امروزه ده‌ها شبکه تلویزیونی محلی، دولتی و خصوصی در افغانستان فعال است که بیشتر آنها به پخش برنامه‌های وارداتی خارجی (موسیقی، فیلم، سریال و...) اقدام میکنند و کمتر برنامه تولیدی دارند. محتوای این برنامه‌ها (به ویژه سریالهای تلویزیونی هندی و ترکی) زیاد با فرهنگ سنتی جامعه افغانی نزدیک نیست و اغلب در تناقض قرار دارد. ارزشهایی که توسط این رسانه‌ها تبلیغ و پخش میشود واکنشهای متفاوت و مختلفی را در بین مردم و قشرها و نسلهای مختلف ایجاد کرده است.

از جایی که شکاف نسلی یکی از نمودهای روشن و مسأله‌ساز مشکلات جامعه امروز ماست و بدون شک، رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های دیداری (تلویزیون) از اصلی‌ترین عوامل این شکاف به شمار می‌آید. این تحقیق در پی آن است تا با تمرکز بر این بعد شکاف نسلی، یعنی رابطه تماشای تلویزیون با میزان شکاف نسلی بین والدین و فرزندان، گوشه‌ی مشکل را شکافته و با نشان دادن چند و چون رابطه این دو (تماشای تلویزیون و شکاف نسلی) راهکارهایی هم برای کاهش فاصله و شکاف نسلی

بین فرزندان و والدین ارائه نماید؛ به طور مشخص این تحقیق در پی آن است تا مشخص نماید چه رابطه‌ی بین الگوی تماشای تلویزیون و شکاف نسلی وجود دارد؛ به علاوه، بین نوعیت برنامه‌های مختلف تلویزیونی و شکاف نسلی چه رابطه وجود دارند؟ بین الگوهای والدین، الگوهای تلویزیونی و شکاف نسلی در بین خانواده‌ها چه رابطه‌ی وجود دارند؟

در این تحقیق از نظریه‌های تناقض برگر و لاکمن و تیوری یان رابرتسون به عنوان چارچوب نظری در نظر گرفته شده است. طبق نظریه تناقض در پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه برگر و لاکمن، تناقض در پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه منجر به شکاف نسلی میگردد؛ یعنی این که در جریان اجتماعی شدن کودکان، اگر بین الگوی مورد تأکید والدین و الگویی که کودکان از تلویزیون فرا میگیرند تناقض وجود داشته باشد، این تناقض الگوها بین والدین و فرزندان منجر به یک نوع اختلاف و گسست میشود (توکلی، ۱۳۷۸: ۵۱).

یان رابرتسون بر این باور است که مخاطبان جهانی رسانه‌ها و نسلهای کنونی، در معرض انتشار و نمایش پیامهای متنوع رسانه‌ی قرار دارند و پیامهایی دریافت میکنند که میتواند سنتها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی و نسلی جوامع و همچنین روابط نسلی آنها را دستخوش چالش و دگرگونی کند (منصور نژاد، ۱۳۸۲: ۳۳۶).

بر اساس این نظریه‌ها، فرضیه‌های زیر برای این تحقیق طراحی شده است:

* به نظر میرسد بین میزان تماشای تلویزیون جوانان شهر هرات و شکاف نسلی رابطه معنی داری وجود دارد.

* به نظر میرسد بین الگوهای والدین و شکاف نسلی رابطه معنی دار وجود دارد.

* به نظر میرسد که بین الگوهای والدین با الگوی تلویزیون تناقض وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق کنونی به روش پیمایشی و از نوع کمی است؛ چون این تحقیق روی نمونه‌ی نسبتاً وسیعی انجام میگردد که قدرت تعمیم‌پذیری به جامعه آماری را داشته باشد. با در نظر گرفتن معیار ژرفایی (پهنانگر و ژرفانگر) از نوع تحقیقات پهنانگر است و از آن جایی که واحد مورد بررسی این تحقیق جوانان بین سن ۱۵-۳۵ سال در شهر هرات است، از نظر وسعت در سطح خرد انجام میشود. در تحقیق کنونی از راهبردهای استقرایی و قیاسی استفاده شده است. جامعه هدف در این

تحقیق شهر هرات است و جامعه آماری شامل تمام جوانان بین سنین ۱۵-۳۰ سال هستند و از آن جایی که آمار جوانان شهر هرات دقیق معلوم نیست؛ بنابراین حجم جامعه آماری مشخص نیست و از فرمول کوکران حجم نمونه مشخص شده است.

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2} = n = \frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2} = 384$$

روش نمونه گیری در تحقیق کنونی از نوع غیر احتمالی طبقه‌بندی و تصادفی ساده و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. پرسشنامه تحقیق شامل دو بخش است: بخش اول، شامل متغیرهای جمعیت شناختی و بخش دوم، شامل سوالات اساسی تحقیق. در این بخش برای سنجش فرضیه‌های تحقیق از طیف پنج مرحله‌ای لیکرت استفاده شده است. این طیف از گزینه "کاملاً مخالف" با کد ۱ شروع و تا گزینه "کاملاً موافق" با کد ۵ خاتمه می‌یابد. در تجزیه، توصیف و تحلیل داده‌ها از نرم-افزار spss استفاده شده است. جهت تحلیل داده‌ها، ابتدا به توصیف داده‌ها پرداخته شده است. برای توصیف داده‌ها از فراوانی جداول و نمودار و آمار استنباطی از آلفای کرانباخ، ضریب همبستگی، آزمونهای پیرسون از طریق نرم افزار spss صورت گرفته است.

یافته‌های تحقیق

در ابتدا داده‌های گردآوری شده، با استفاده از روشهای آماری توصیف شده است و بعد با بهره‌گیری از اطلاعات مندرج در جدولها و نمودارها به تحلیل اطلاعات پرداخته شده و نتایج به دست آمده تفسیر گردیده است. در این تحقیق استخراج نتایج و ترسیم نمودارها با استفاده از نرم افزار spss صورت گرفته است.

الف: توصیف مشخصات فردی پاسخگویان

در این قسمت متغیرهایی؛ چون جنسیت، سن، تحصیلات جوانان، تحصیلات والدین و در آمد ماهوار خانواده مشخص گردیده است که نتایج هر کدام به صورت زیر است.

از میان پاسخگویان ۵۰.۵ درصد از جمعیت نمونه را مردان و ۴۹.۵ درصد جمعیت نمونه را زنان تشکیل میدهند. به لحاظ سن، ۴۹.۵ درصد از جمعیت نمونه بین سنین ۱۵-۱۸ سال، ۴۴.۶ درصد از جمعیت نمونه بین سنین ۱۹-۲۲ سال و ۵.۹ درصد جمعیت نمونه بین سنین ۲۳-۲۶ سال است. به لحاظ سواد، ۰.۵ درصد از جمعیت نمونه سواد شان در سطح ابتدایی، ۳۱.۱ درصد از جمعیت نمونه

سوادشان در سطح متوسطه، ۳۲.۳ در صد سوادشان در سطح بکلوریا، ۳۵.۵ در صد در سطح لیسانسه و ۰.۵ در صد در سطح ماستری اند. به لحاظ تحصیلات پدر، ۱۲.۴ در صد از جمعیت نمونه پدرشان بی‌سواد، ۲۶.۵ در صد در سطح ابتدایی، ۲۴.۴ در صد در سطح متوسطه، ۲۲.۵ در صد در سطح بکلوریا، ۱۰.۶ در صد در سطح لیسانسه، ۱.۰ در صد در سطح ماستری و ۲.۳ در صد از جمعیت نمونه سواد پدر شان در سطح دکترا اند. به لحاظ تحصیلات مادر؛ ۳۴.۸ در صد از جمعیت نمونه مادران شان بی‌سواد اند، ۲۴.۷ در صد در سطح ابتدایی، ۲۱.۸ در صد در سطح متوسطه، ۱۴.۵ در صد در سطح بکلوریا، ۲.۳ در صد سطح لیسانسه، ۱.۶ در صد در سطح ماستری و ۰.۳ در صد در سطح دکترا است. به لحاظ درآمد ماهوار خانواده؛ ۱۵.۵ در صد از جمعیت نمونه درآمد ماهوار نداشتند، ۵.۷ در صد درآمد ماهوار خانواده شان کمتر از ۵ هزار افغانی، ۱۰.۱ در صد، ۵-۱۰ هزار افغانی، ۱۲.۲ در صد، ۱۱-۱۵ هزار افغانی، ۱۵.۳ در صد، ۱۶-۲۰ هزار افغانی، ۱۳.۵ در صد، ۲۱-۲۵ هزار افغانی، ۴.۷ در صد، ۲۶-۳۰ هزار افغانی، ۵.۷ در صد، ۳۱-۳۵ هزار افغانی، ۳.۱ در صد، ۳۶-۴۰ هزار افغانی و ۱۴.۳ در صد بالاتر از ۴۰ هزار افغانی است.

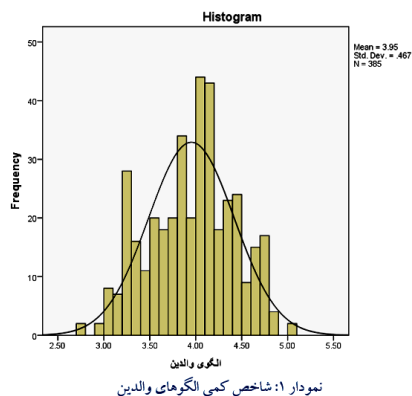
ب: تفسیر شاخصهای کمی

شاخصهایی که در این تحقیق مورد بحث است عبارت اند از شاخص «میزان شکاف نسلی»، شاخص «الگوهای تلویزیون»، شاخص «الگوهای والدین» و شاخص «برنامه‌های تلویزیون» که از چهار گویه تا یازده گویه دارند. در این تحقیق شاخص «شکاف نسلی» به عنوان متغیر وابسته و شاخصهای «الگوهای والدین» و «الگوهای تلویزیون» به عنوان متغیر مستقل اند. هدف از این شاخصها در این تحقیق بررسی رابطه میان تلویزیون و شکاف نسلی است. بر اساس فرضیه تناقض برگر و لاکمن که معتقد بودند که تناقض الگوهای والدین با الگوهای تلویزیون باعث شکاف نسلی میگردد این شاخصها در این تحقیق به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده اند.

از توصیف شاخص کمی «الگوی والدین» چنین استنباط میگردد که الگوهای ذکر شده مربوط شاخص الگوی والدین در بین افراد جمعیت نمونه وجود دارد. ۵۰٪ جمعیت نمونه گزینه «مُوافق» را انتخاب نمودند و این نشان میدهد که والدین تلاش دارند که فرزندان شان الگوهای والدین شان را در عمل پیاده نمایند. بیشتر پاسخها در اطراف میانگین است؛ چون انحراف استاندارد ۰.۴۶ است؛ یعنی پاسخها در میان گزینه‌های «بی‌نظر» و «مُوافق» بیشتر اند. با توجه به منفی بودن کشیدگی و چولگی تمایل و کشیدگی پاسخها به طرف کدهای پایین، یعنی به طرف گزینه‌های مخالف میباشد.

جدول ۱: شاخص کمی الگوهای والدین

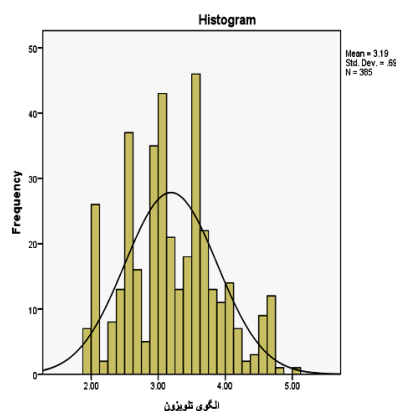
مجموع	معتبر	۳۸۵
جمعیت	نامعتبر	۰
نمونه		
میانگین		۳٫۹۵
مود		۴٫۱۸
انحراف معیار		۰٫۴۶
چولگی		-۰٫۱۴
خطای چولگی		۰٫۲۴
کشیدگی		-۰٫۷۰
خطای کشیدگی		۰٫۲۴
نقطه اصغری		۲٫۷۳
نقطه اعظمی		۵



از توصیف شاخص کمی «الگوهای تلویزیون» چنین استنباط می‌گردد که میانگین الگوهای ذکر شده مربوط شاخص الگوهای تلویزیون در بین افراد جمعیت نمونه در حد «بی‌نظر» و متمایل به طرف «مُوافق» است. حدود ۵۰٪ جمعیت نمونه پاسخهای شان «بی‌نظر» و متمایل به سمت «مُوافق» را انتخاب نمودند و این نشان می‌دهد که الگوهای تلویزیون بر جوانان تأثیر گذار است و جوانان الگوهای تلویزیون را در عمل پیاده می‌کنند. با توجه به منفی بودن کشیدگی نشان دهنده تجمع و شباهت داده‌ها پایین تر از میانگین در گزینه‌های «مُخالف» قرار دارد و مثبت بودن چولگی تمایل پاسخها به سمت گزینه‌های «مُوافق» است؛ پس داده‌ها در گزینه‌های «مُخالف» تجمع دارد؛ ولی تمایل شان به سمت گزینه‌های «مُوافق» هستند.

جدول ۲: شاخص کمی الگوی تلویزیون

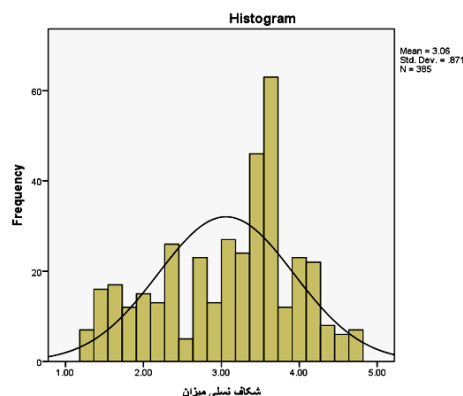
مجموع	معتبر	۳۸۵
جمعیت نمونه	نامعتبر	۰
میانگین		۳٫۱۹
انحراف معیار		۰٫۶۸
مود		۲٫۹۰
چولگی		۰٫۲۴
خطای چولگی		۰٫۱۲
کشیدگی		-۰٫۳۹
خطای کشیدگی		۰٫۲۴
نقطه اصغری		۱٫۹۰
نقطه اعظمی		۵



از توصیف شاخص کمی شکاف نسلی چنین استنباط می‌گردد که میانگین شکاف نسلی در بین افراد جمعیت نمونه در گزینه «بی‌نظر» و متمایل به طرف «مُوافق» است. حدود ۵۰٪ جمعیت نمونه پاسخهای شان «بی‌نظر» و متمایل به سمت «مُوافق» اند. با توجه به مثبت بودن و شدید بودن کشیدگی و چولگی تجمع و تمایل پاسخها به سمت گزینه «مُوافق» است؛ پس رفتار و کردار و نگرش جوانان با رفتار و نگرش والدین شان متفاوت است که این متفاوت بودن منجر به شکاف یا فاصله میان والدین و فرزندان گردیده است.

جدول ۳: شاخص کمی میزان شکاف نسلی

مجموع	معتبر	۳۸۵
جمعیت نمونه	نامعتبر	۰
میانگین		۳.۰۷
مود		۳.۴۵
انحراف معیار		۰.۹۲
چولگی		۰.۳۵
خطای چولگی		۰.۱۲
کشیدگی		۴.۱۶
خطای کشیدگی		۰.۲۴
نقطه اصغری		۱.۲۷
نقطه اعظمی		۴.۷۳



نمودار ۳: شاخص کمی میزان شکاف نسلی

ج) همبستگی میان متغیرها

در این بخش رابطه میان متغیرهای جمعیت شناختی از قبیل سن، تعداد فرزندان، تحصیلات، شغل و درآمد خانواده و میزان شکاف نسلی بررسی گردیده است. هدف از بررسی رابطه میان متغیرهای جمعیت شناختی و میزان شکاف نسلی، شناسایی عوامل مؤثر بر شکاف نسلی است. تحلیل یافته‌های این تحقیق و مقایسه متغیرهای جمعیت شناختی نشان می‌دهد که متغیرهای سن، جنسیت، سطح تحصیل و میزان تماشای تلویزیون در روز با میزان شکاف نسلی بین جوانان و والدین - شان رابطه دارند. جوانانی که در یک شبانه روز تلویزیون بیشتر تماشا می‌کنند میزان شکاف میان آنها و والدین شان بیشتر از جوانانی است که کمتر به تماشای برنامه تلویزیون وقت‌شان را می‌گذرانند. بین جنسیت و میزان شکاف نیز رابطه وجود دارد. میان دختران و والدین شان نسبت به پسران و والدین شان

فاصله و یا شکاف بیشتر وجود دارد. سن نیز بر میزان شکاف نسلی تأثیر دارد و هر قدر که جوانان سن شان بالاتر باشد به همان اندازه میزان شکاف کمتر است و در میان نوجوانان شکاف نسلی بیشتر از جوانان دیده میشود. میزان تحصیلات هم بر میزان شکاف نسلی تأثیر دارد. هر قدر که جوانان سطح تحصیلات شان بالاتر برود رفتار و نگرش شان کمتر تحت تأثیر تلویزیون قرار میگیرد و میزان شکاف میان آنها و والدین شان کمتر است؛ اما جوانانی که تحصیلات شان در سطح ابتدایی است زودتر از تلویزیون متأثر میگردند و میزان فاصله و اختلاف میان آنها و والدین شان بیشتر است. یافته های این تحقیق نشان میدهد که سطح تحصیلات والدین و درآمد خانواده بر شکاف نسلی کدام تأثیر ندارد.

د) آزمون فرضیه ها

در این تحقیق به آزمون چهار فرضیه پرداخته شده است که عبارتند از: ۱) تأثیر الگوی تلویزیون؛ ۲) الگوهای والدین؛ ۳) تناقص الگوهای والدین با الگوی تلویزیون؛ ۴) نوع برنامه تلویزیون و میزان شکاف بین والدین و فرزندان. در آزمون فرضیه ها از آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده شده است.

۱. آزمون فرضیه رابطه بین الگوهای والدین و میزان شکاف نسلی

جدول ۴: نتایج سنجش همبستگی بین شاخص «الگوی والدین» و «میزان شکاف نسلی»

		شاخص کمی الگوی والدین	شاخص کمی میزان شکاف نسلی
شاخص کمی الگوی والدین	آزمون همبستگی پیرسون	۱	**۰,۳۹۲
سطح معنی داری			۰,۰۰۰
جمعیت نمونه		۳۸۵	۳۸۵
شاخص کمی میزان شکاف نسلی	آزمون همبستگی پیرسون	**۰,۳۹۲	۱
سطح معنی داری		۰,۰۰۰	
جمعیت نمونه		۳۸۵	۳۸۵

نتایج آزمون این فرضیه نشان دهنده رابطه میان «الگوهای والدین» و «میزان شکاف نسلی» است. طبق جدول شماره (۴) نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان میدهد که میان الگوی والدین و میزان شکاف نسلی در میان جوانان ۱۵-۳۰ سال شهر هرات همبستگی ضعیف و معنی دار است. $(=0.392, sig=0.000)$ pearson correlation رابطه بین الگوی والدین و شکاف نسلی

مستقیم، ضعیف و معنی دار است؛ یعنی «الگوهای والدین» در «شکاف میان والدین و فرزندان» نقش دارد؛ اما نقش شان ضعیف است به این معنی است که هر قدر والدین به الگوهای خودشان بیشتر پافشاری کنند فرزندان شان از آنها بیشتر فاصله میگیرند و میزان معنی داری آن نشان میدهد که با ۹۵٪ اطمینان برای جامعه آماری قابل تعمیم است؛ پس میتوان نتیجه گرفت که خود والدین نیز در ایجاد فاصله میان خودشان و فرزندان شان نقش دارند؛ اما نقش شان ضعیف است.

۲. فرضیه رابطه بین الگوی تلویزیون و میزان شکاف نسلی

جدول ۵: نتایج سنجش همبستگی متغیرهای «الگوی تلویزیون» و «میزان شکاف نسلی»

شاخص کمی میزان شکاف نسلی		شاخص کمی الگوی تلویزیون	
شاخص کمی الگوی تلویزیون	آزمون همبستگی پیرسون	۱	**۰.۶۵۸
سطح معنی داری			۰.۰۰۰
جمعیت نمونه		۳۸۵	۳۸۵
شاخص کمی میزان شکاف نسلی	آزمون همبستگی پیرسون	**۰.۶۵۸	۱
سطح معنی داری		۰.۰۰۰	
جمعیت نمونه		۳۸۵	۳۸۵

نتایج آزمون این فرضیه نشان دهنده رابطه میان الگوی تلویزیون و میزان شکاف نسلی است. طبق جدول شماره (۵)، نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان میدهد که میان الگوی تلویزیون و میزان شکاف نسلی در میان جوانان ۱۵-۳۰ سال شهر هرات همبستگی قوی، معنی دار و مستقیم وجود دارد. (pearson correlation = ۰.۶۵۸، sig=۰.۰۰۰) رابطه بین الگوی تلویزیون و شکاف نسلی قوی، مستقیم و معنی دار است؛ به این معنی که هر قدر پابندی جوانان به الگوی تلویزیون بیشتر باشد به همان تناسب میزان شکاف بین والدین و فرزندان نیز افزایش می یابد؛ در نتیجه، نقش الگوی تلویزیون در به وجود آوردن شکاف نسلی قوی است؛ چون الگوهایی که فرزندان از تلویزیون یاد میگیرند؛ مثلاً «استقلالیت و خود مختاری»، «جاه طلبی»، «به دست آوردن قدرت و ثروت»، «داشتن زندگی هیجان انگیز»، «به کار گرفتن خلاقیت» و «داشتن روابط صمیمی با دیگران». این الگوها فرزندان را بیشتر به «خود مختاری و استقلالیت» تشویق میکند و این باعث میشود که فرزندان بیشتر متکی به خود باشند تا به والدین. در نتیجه، بین والدین و فرزندان یک نوع فاصله و اختلاف به وجود

می آید که رفتار و نگرش شان حتی گاهی اوقات در تقابل هم قرار میگیرند. با توجه به سطح معنی داری این همبستگی، با ۹۵٪ اطمینان برای جامعه آماری قابل تعمیم است و فرضیه رابطه میان الگوی تلویزیون و شکاف نسلی تأیید میشود.

فرضیه رابطه میان الگوی والدین با الگوی تلویزون

جدول ۶: نتایج سنجش همبستگی میان متغیرهای «الگوی تلویزیون» و «الگوی تلویزیون»

شاخص کمی الگوی والدین		شاخص کمی الگوی تلویزیون	
شاخص کمی الگوی والدین	آزمون همبستگی پیرسون	۱	**۰.۴۱۱
سطح معنی داری			۰.۰۰۰
جمعیت نمونه		۳۸۵	۳۸۵
شاخص کمی الگوی تلویزیون	آزمون همبستگی پیرسون	**۰.۴۱۱	۱
سطح معنی داری		۰.۰۰۰	
جمعیت نمونه		۳۸۵	۳۸۵

این فرضیه نشان دهنده بررسی رابطه میان «الگوی تلویزیون» با «الگوی والدین» است. طبق جدول شماره (۶) نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان میدهد که میان الگوی تلویزیون و الگوی والدین در میان جوانان ۱۵-۳۰ سال شهر هرات همبستگی متوسط، معنی دار و مستقیم وجود دارد. ($\text{pearson correlation} = 0.411, \text{sig} = 0.000$) رابطه بین الگوی تلویزیون و الگوی والدین متوسط، مستقیم و معنی دار است؛ به این معنی که الگوهای والدین با الگوهای تلویزیون با هم در تناقض اند. الگوهای والدین با الگوهای تلویزیون در حد متوسط اختلاف دارند؛ اما اختلاف شان قوی نیست و در برخی موارد شباهتهایی دیده میشود. از جایی که این هم معنی دار است، میتوان این نتیجه را با دقت ۹۵٪ به جامعه آماری (جوانان شهر هرات) تعمیم داد.

نتیجه

این تحقیق به بررسی رابطه بین تماشای تلویزیون و شکاف نسلی در شهر هرات پرداخته است. توصیف متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق مثل سن، جنسیت، میزان تحصیلات و ساعات تماشای تلویزیون در طول روز و مقایسه این داده ها با میزان شکاف نسلی نشان دهنده ارتباط میان آنهاست. جوانانی که در یک شبانه روز بیشتر تلویزیون تماشا میکنند میزان شکاف میان آنها و والدین شان بیشتر

از جوانانی است که کمتر به تماشای تلویزیون وقت شان را میگذرانند. جنسیت نیز بر میزان شکاف تأثیر گذار است. میان دختران و والدین شان نسبت به پسران و والدین شان فاصله و یا شکاف بیشتری وجود دارد. هر قدر که سن جوانان بالاتر باشد به همان اندازه میزان شکاف بین آنها و والدین شان کمتر است و در میان نوجوانان و والدین شان شکاف نسلی بیشتر از جوانان دیده میشود. تحصیلات جوانان بر میزان شکاف نسلی با والدین شان تأثیر دارد. هر قدر که سطح تحصیلات جوانان بالاتر برود رفتار و نگرش شان کمتر تحت تأثیر تلویزیون قرار میگیرد و میزان شکاف میان آنها و والدین شان کمتر است؛ اما جوانی که تحصیلات شان در سطح ابتدایی است زودتر از تلویزیون متأثر میگردد و میزان فاصله و اختلاف میان آنها و والدین شان بیشتر است. یافته‌ها نشان میدهد که تحصیلات والدین و درآمد خانواده بر شکاف نسلی کدام تأثیری ندارد.

آزمون فرضیه‌ها نشان داد که رابطه بین الگوی تلویزیون و شکاف نسلی قوی، مستقیم و معنی‌دار است؛ به این معنی که هر قدر پابندی جوانان به الگوی تلویزیون بیشتر باشد به همان تناسب میزان شکاف یا فاصله بین والدین و فرزندان نیز افزایش می‌یابد. رابطه بین الگوی تلویزیون و الگوی والدین متوسط، مستقیم و معنی‌دار است؛ به این معنی که الگوهای والدین با الگوهای تلویزیون در تناقض اند و متوسط بودن به این معنی که تناقض الگوهای والدین با الگوهای تلویزیون در حد متوسط است و قوی نیست و در برخی موارد بین شان شباهتهایی دیده میشود.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). **فرایند تغییر نسلی. جوانان و مناسبات نسلی**. شماره اول، ۴۱-۶۸.
۲. اسپاک، بنجامین. (۱۳۶۴). **پرورش فرزند در عصر دشوار ما**. ترجمه هوشنگ ابرامی. تهران: صفی‌علیشاه.
۳. توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مریم. (۱۳۸۵). **شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی**. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷، ص ۹۵-۱۲۴.
۴. توکلی، مهناز. (۱۳۷۸). **بررسی نظام ارزشهای دو نسل: دختران و مادران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد.
۵. چیت‌ساز قمی، محمدجواد. (۱۳۸۶). **بازشناسی مفاهیم نسلی و شکاف نسلی**. جوانان و

مناسبات نسلی، شماره اول، ۸۵-۱۱۲.

۶. دانایی، نسرين. (۱۳۸۴). **تفاوت نسل ديروز و نسل امروز**. روزنامه همشهری. شماره ۳۷۳۲.

۷. ذکایی، محمد سعيد. (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی جوانان ایران**. تهران: چاپ دوم. انتشارات آگاه.

۸. منصور نژاد، محمد. (۱۳۸۲). **شکاف و گفتگوی نسلی با تأکید بر ایران**. رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روانشناختی، سیاسی، تاریخی و ادبی. به اهتمام علی اکبر علیخانی. پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.